

مرگِ پیر خانندان کودتاچی!



ویژه‌نامه تک‌برگی روزنامه اصفهان‌زیبا
شماره ششم/هفته چهارم بهمن‌ماه ۱۴۰۴

صفهان‌زیبا | esfahanzibaonline.ir

برای اطلاع از آخرین اخبار اصفهان به پایگاه خبری اصفهان‌زیبا آنلاین مراجعه کنید

خاندان کودتاچی!

مروری بر همه کودتاهایی که استعمار برای به قدرت رساندن پهلوی‌ها تدارک دید؛ از اسفند ۱۲۹۹ تا دی ۱۴۰۴

قزوین؛ بامداد سوم اسفند ۱۲۹۹

یک هزار و ۵۰۰ نفر از سربازان قزاق از قزوین آماده حرکت به سمت تهران می‌شوند. آن‌ها مأموریتی مشخص دارند: تصرف تهران و دستگیری مسئولان و شخصیت‌های برجسته سیاسی برای به قدرت رساندن رضاخان میرپنج! این قزاق‌ها هیچ ابایی ندارند از اینکه بگویند از انگلیس‌ها پول گرفته‌اند؛ هریک پنج تومان! ماجرا از این قرار بود که یک سال قبل، دولت انگلیس با پرداخت رشوه به بعضی از مسئولان فاسد دولتی، در پی تصویب قراردادی بود که عملاً ایران را به مستعمره رسمی انگلستان تبدیل می‌کرد. مطابق با این قرارداد همه امورات کشوری و لشکری ایران، رسماً به انگلستان واگذار می‌شد. با افشای متن این قرارداد و اعتراض مردم، این قرارداد لغو شد؛ اما انگلیس‌ها دست بردار نبودند. طرح دوم، روی میز گذاشته شد: بر سر کار آوردن فردی که منافع انگلستان در ایران را تأمین کند، فردی به نام رضا سوادکوهی!

به گفته یکی از مستشاران انگلیس در ایران به نام کلنل هنری اسمایت، رضاخان از خانواده بی‌بضاعتی می‌آمد و با اشراف و ثروتمندان بستگی نداشت و بی‌چون و چرا پیشنهادهای بریتانیا را می‌پذیرفت؛ اما دو عیب بزرگ داشت: یکی، بی‌سوادی و دوم، اعتیاد به تریاک! اسمایت اضافه کرده است: رضاخان در آخرین مراحل قبل از کودتا خود را می‌بازد و اسمایت ناچار می‌شود به او دلگرمی دهد. با تصرف تهران توسط رضاخان، کودتا با موفقیت انجام می‌شود و احمدشاه که در برابر عمل انجام‌شده قرار می‌گیرد، فرمان نخست‌وزیری سیدضیاءالدین طباطبایی را صادر می‌کند و رضاخان نیز با لقب سردار سپه، به وزارت جنگ و فرماندهی لشکر قزاق منصوب می‌شود. کودتای ۱۲۹۹ راه را برای پادشاهی رضاخان هموار می‌کند و چند سال بعد رضاخان میرپنج، خود را پادشاه می‌نامد. حکومت رضاخان با کودتای خارجی آغاز می‌شود و در پایان نیز بعد از ۲۰ سال با یک حمله خارجی فرومی‌ریزد؛ چراکه هیچ‌گاه پشتیبانی مردم را همراه خود نداشته است.

تهران، خیابان کاخ؛ عصر ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

«آتش‌سوزی خانه مهم نیست؛ من از روی آن زن که امشب سجاده ندارد که روی آن نماز بخواند، شرمندم»؛ دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر ایران درحالی‌که آتش‌گرفتن خانه‌اش را به چشم می‌بیند،

بعد از بیان این جمله‌ها خود را برای تسلیم شدن آماده می‌کند. از صبح، مزدوران وابسته به محمدرضا پهلوی به خیابان‌ها آمده‌اند و با پشتیبانی آمریکا، دولت دکتر مصدق را ساقط کرده‌اند. محمدرضا پهلوی که پس از حمله متفقین به ایران، جایگزین پدرش رضاخان شد، از مصدق احساس نگرانی می‌کرد؛ چراکه مصدق با پشتوانه عموم مردم به قدرت رسیده بود؛ اما محمدرضا از ابتدا دست‌نشانده قدرت‌های بیگانه بود. او از قدرت مردم هراس داشت؛ به همین دلیل، پس از سفر به عراق، آماده اجرای نقشه کودتا علیه دولت مردمی مصدق شد. این نقشه، حاصل همکاری سرویس‌های اطلاعاتی انگلستان و آمریکا بود. عملیات کودتا با حضور شعبان بی‌مخ در خیابان‌های تهران شروع شد و با تصرف مراکز دولتی ادامه پیدا کرد؛ مصدق نیز که اعتماد کامل به آمریکا داشت، به توصیه سفیر آمریکا مردم را از حضور در خیابان‌ها منع کرد؛ به این ترتیب کودتاچی‌ها راحت‌تر از هر زمان به سمت خانه مصدق حرکت کردند. دولت مصدق در کمتر از یک روز با کودتای آمریکایی ساقط شد و محمدرضا پهلوی دوباره به ایران بازگشت. کودتای ۲۸ مرداد، بار دیگر محمدرضا پهلوی را به قدرت رساند. او حالا محکم‌تر از قبل، خود را شاه می‌دانست.

اصفهان، پادگان ارتش؛ عصر ۱۹ بهمن ۱۳۵۷

آخرین ساعات حیات رژیم پهلوی است و سروان صیادشیرازی به جرم ارتباط با بدنه مذهبی ارتش، در پادگان بازداشت شده است. مردم به خیابان‌ها آمده‌اند و کنترل مراکز دولتی را برعهده گرفته‌اند. سربازها در حال فرار از پادگان‌ها هستند ولی پادگان‌ها همچنان زیر نظر سران ارتش است. در تهران، طرحی روی میز سران ارتش قرار دارد، طرحی که ژنرال رابرت ارنست هایزر، جانشین فرمانده نیروهای مسلح ایالات متحده در اروپا، آن را تهیه کرده است. مأموریت هایزر تقویت حمایت ارتش ایران از دولت بختیار بود. او در آستانه فرار شاه شخصاً به ایران آمده بود تا طرح خود را پیش ببرد، طرحی به نام «کودتای کورتاژ». هدف معلوم و مشخص بود: ارتش باید با یک کودتای فوری و سریع مانند ۲۸ مرداد، دوباره شاه را به ایران برمی‌گرداند. طرح کورتاژ این بود که در ضربه‌ای ناگهانی همه رهبران انقلاب قتل‌عام شوند و افکار عمومی جهان در مقابل یک عمل انجام‌شده قرار بگیرند.

محمدرضا همان‌طور که در کتاب «پاسخ به تاریخ» مشخص است، انتظار داشت ارتش وفادار به شاه

بماند و با یک کودتا کار امام خمینی را تمام کند. مایکل آکسورثی، مورخ انگلیسی که تا شهریور ۱۳۵۷ مکرر به ایران رفت‌وآمد داشت، مأموریت هایزر را چنین خلاصه می‌کند: «هایزر اعتقاد داشت که نظامیان ایرانی اراده و انسجام لازم برای اقدام قاطعانه را دارند و ارتش می‌تواند در صورت نیاز، دولت بختیار را نجات دهد. بعدها مشخص شد که حداقل درباره گزینه اول درست فکر می‌کرده، اما درباره گزینه دوم بر خطا بوده است و اقدام نظامی نمی‌توانسته دولت بختیار را نجات دهد.» در راستای همین طرح بود که بعد از ظهر شنبه، ۲۱ بهمن، سپهبد مهدی رحیمی، فرماندار نظامی و رئیس شهربانی کل کشور، به سرلشکر محمدجواد مولوی، رئیس پلیس تهران، دستور داد که در همه ساختمان‌های مشرف به میدان‌ها و مراکز عمومی شهر سنگ‌گیری کنند و آماده باشند تا نیروهای ارتش به آن‌ها ملحق شوند. از بامداد ۲۲ بهمن بنا بود هر جنبنده‌ای در خیابان‌های تهران به گلوله بسته شود و طی یک روز همه سران انقلاب و دست‌اندرکاران نهضت اسلامی که بنا به آمار ساواک قریب ۱۰ هزار نفر می‌شدند، دستگیر و اعدام شوند. با اعلام حکومت نظامی توسط فرماندار نظامی تهران، شرایط کم‌کم برای کودتا فراهم می‌شد. در اینجا بود که امام خمینی با صدور فرمانی، مردم را به حضور در خیابان‌ها دعوت کرد. مردم آمدند و کودتا شکست خورد.

همدان، پادگان هوایی نوژه؛ ۱۷ تیر ۱۳۵۹

گروهی از افسران پادگان منتظر رسیدن زمان طلایی هستند. مسئول مخابرات پادگان، دوباره نقشه خود را مرور می‌کند. باید بلافاصله بعد از شروع عملیات، کلیه خطوط ارتباطی داخل پادگان را قطع کند. بنابر آنچه از چند هفته قبل هماهنگ شده، ۱۰۰ نفر از کلاه‌سبزه‌های نوهد با ۴۰۰ نفر از افراد محلی برای تسخیر پادگان نوژه وارد می‌شوند. پس‌از آن، ۱۶ هواپیما با سلاح سنگین از پادگان نوژه برمی‌خیزد و در اولین اقدام، بیت امام خمینی در جماران بمباران می‌شود. پس‌از آن نوبت فرودگاه مهرآباد، نخست‌وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب اسلامی، سه پادگان مهم تهران، دو مرکز کمیته، کاخ سعدآباد و لویزان (پادگان نوجوانان) است.

با تسخیر صداوسیما، خبر بمباران جماران و شهادت امام خمینی پخش می‌شد و در حاشیه آن، با مارش‌های نظامی و رعب‌انگیز، اخبار بازداشت و ترور مسئولان جمهوری اسلامی، سقوط مراکز نظام یکی پس از

مراقب باشند فرزندان‌شان در خیابان‌ها حضور پیدا نکنند. روز بعد همین روند با سرعت کمتری پیگیری می‌شود. معترضان با مشاهده تخریب‌های گسترده، صف خود را از عوامل کودتا جدا می‌کنند. خانه‌های تیمی در حال لورفتن است. مردم در تماس با نهادهای امنیتی، حرکات مشکوک را گزارش می‌دهند. در دو روز بعد دستگیری عوامل موساد سرعت می‌گیرد. روز دوشنبه مردم برای تشییع پیکر شهدا به خیابان‌ها می‌آیند. توطئه خنثی می‌شود و کودتا شکست می‌خورد.

این خاندان، همگی کودتاچی هستند!

ماجرای همان ماجراست؛ خاندان کودتاچی هزاران کیلومتر دورتر از ایران منتظر فرصتی برای کودتا هستند. بزرگ این خاندان، رضاخان میرپنج، با کودتای ۱۲۹۹ سر کار آمد، فرزند او محمدرضا با کودتای ۱۳۳۲ بر سر کار ماند؛ ولی دو کودتای دیگر در ۱۳۵۷ و ۱۳۵۹ برای بازگرداندن او بی‌نتیجه ماند. نوه او رضا، خشن‌تر از پدر و پدربزرگش رفتار کرد. او ابتدا از اقدام نظامی مستقیم اسرائیل و آمریکا برای حمله به ایران در تیرماه ۱۴۰۴ حمایت کرد و بعد از آن دل به کودتای جدید بست. فرقی نمی‌کند این خاندان، همگی کودتاچی هستند!

با غروب آفتاب، گروه‌های ۷ تا ۱۱ نفره در شهرها به سمت مراکز دولتی حرکت می‌کنند. فرمانداری‌ها، شهرداری‌ها، استانداری‌ها، پادگان‌های نظامی، مساجد، حسینیه‌ها و پایگاه‌های بسیج هدف‌های اصلی هستند. افرادی که با پارچه صورت‌شان را بسته‌اند، با پارچه‌های آغشته به بنزین نقاط هدف را به آتش می‌کشند. وقتی مأموران پلیس را تنها می‌بینند، به صورت نعل‌اسبی حرکت می‌کنند و پس از تیراندازی، با بنزین آن‌ها را آتش می‌زنند. قرار است حجم زیاد خشونت، مردم را بترساند و در مرحله بعد با پشتیبانی حمله هوایی خارجی، کودتا به موفقیت برسد. رضا (فرزند فرح و محمدرضا) چند هفته است که دلش را به نتیجه این کودتا خوش کرده و مدام در شبکه‌های ماهواره‌ای برای مردم بیانیه می‌خواند. در ساعات انتهایی شب، خشونت اوج می‌گیرد. مسئولان اسرائیل به صورت رسمی اعلام می‌کنند که مأموران موساد (سرویس اطلاعاتی اسرائیل) در میان مردم هستند. تیراندازی به سمت مأموران پلیس شدت می‌گیرد. مأموران موساد یک دستورالعمل مشخص دارند: ابتدا باید به سمت پلیس شلیک کنند و پس از آن، مردمی را که در اطراف خود می‌بینند، مورد اصابت قرار دهند. آمار کشته‌ها، ناگهان افزایش می‌یابد. فضای رعب و وحشت کم‌کم در حال شکل‌گیری است. صداوسیما با پخش تصاویر مربوط به تخریب گسترده اموال عمومی، از مردم می‌خواهد که

دیگری، اعلام همبستگی شخصیت‌ها و گروه‌ها و مراکز نظامی و... خوانده می‌شود. در کنار همه این‌ها، مکرر پیام یکی از مراجع تقلید مبنی بر غلط بودن فتاوی امام خمینی و تأیید کودتا به عنوان «اقتضای مصالح دین و ملت» و دعوت مردم به آرامش و پرهیز از خشونت و... پخش می‌شود. قرار بود محمدرضا با کودتا به ایران برگردد. تمایز این کودتا با کودتاهای قبلی، حجم زیاد کشتار مردم ایران است؛ به طوری که سروان حمید نعمتی (یکی از عوامل کودتا) به یکی از خلبانان گفته بود: «ما می‌توانیم تا پنج میلیون نفر را بکشیم!» اما در شب کودتا، یکی از افسران ارتش که دچار عذاب وجدان شده بود با مراجعه به خانه آیت‌الله خامنه‌ای از نقشه کودتا خبر داد. با برملا شدن کودتا، عوامل اصلی به سرعت دستگیر شدند. کودتا این بار هم شکست خورد.

ایران؛ عصر ۱۸ دی ۱۴۰۴

شبکه‌های ماهواره‌ای به شدت در حال خبرسازی درباره اعتراض‌های اقتصادی مردم و اصناف هستند. از صبح، حجم زیادی از محتوای خشن درباره اعتراض‌ها در اینستاگرام تولید و منتشر شده است: «بزنید! هرکی گفت بزنید، اونم بزنید! هرکی گفت گناه دارند، اونم بزنید! هرکی گفت بیا گفت وگو کنیم، اونم بزنید! هرکی گفت سرکوبگر رو بزنید، خودش رو دوبار بزنید!»



اگر در کودتای سال ۱۳۳۲ شعبان بی‌مخ‌ها با چوب و چماق، دولت مردمی مصدق را ساقط کردند، در کودتای ۱۴۰۴ عوامل موساد با شلیک به مردم عادی، به دنبال کودتا علیه نظام مردمی بودند



شاه چقدر از ایران بُرد؟

گزارش رسانه‌های آمریکایی درباره خروج اموال ایران توسط خاندان پهلوی

The New York Times

روزنامه نیویورک تایمز (۱۰ ژانویه ۱۹۷۹)

۴ تا ۲

میلیارد دلار

The Washington Post

روزنامه واشنگتن پست (۱۷ ژانویه ۱۹۷۹)

۱۲

میلیارد دلار و انتقال به حساب
بانکی بنیاد پهلوی در سوئیس

